

عصر طلایی هنر «کتاب آرای» ایران تاملی بر تذهیب مصحف در خاندان «وراق غزنوی» (قرون چهارم و پنجم هجری)

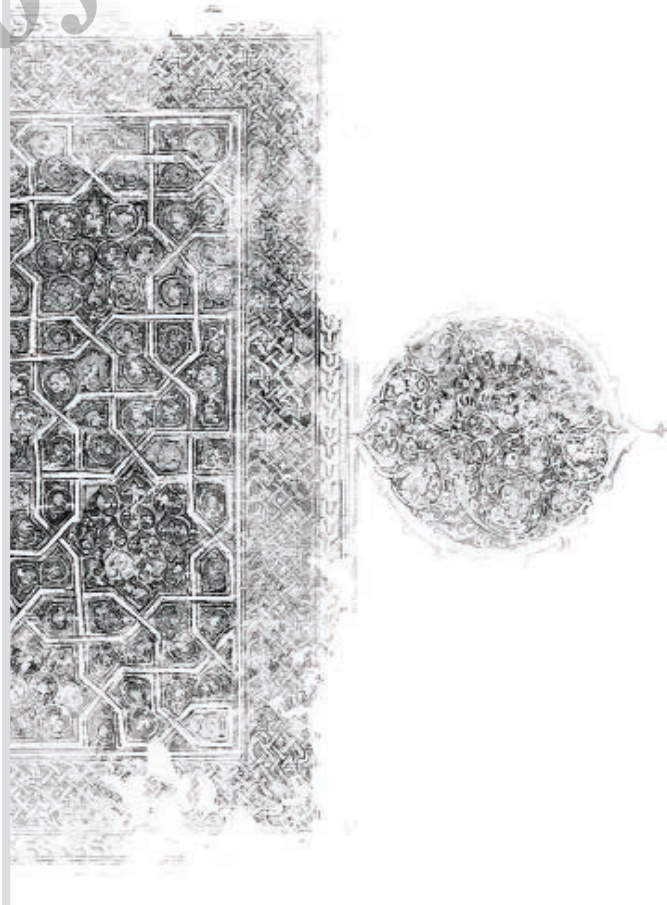
کیانوش معتقدی

چکیده:

خراسان مرکز هنری فعال ایران در عصر سامانی و غزنوی بود. هنر این دوره ها خود بر پایه شیوه های کهن (ساسانی و مانوی) منطقه استوار بود. در سایه حاکمان هنرپرور سامانی و غزنوی هنرمندان خلاق در زمینه های مختلف در رشته هایی همچون کتاب آرای، کتابت، معماری و صنایع دستی، دست به خلاقیت و آفرینندگی زدند که برخی از آثار درخشان آن دوران تا کنون به جا مانده است.

شیوه کتابت با خط کوفی در قرآن های این دوره، تنها محدود به یک شیوه خاص نبود بلکه از سوی هنرمندان مختلف سبکهای جدیدی آزموده می شد. از آن جمله در زمینه تذهیب، شیوه جدیدی از سوی خاندان «وراق غزنوی» عرضه شد که تا یک قرن بعد نیز مورد تقلید و پیروی دیگران قرار گرفت. بررسی علل شکل گیری و شکوفایی این شیوه، خود فرصتی است تا از این رهگذر بتوانیم نسبت به درک و تجزیه و تحلیل ویژگی های شیوه های خوشنویسی و تذهیب در این دوره نیز نگرشی تازه کسب کنیم. بررسی جایگاه و ویژگیهای تذهیب در این دوره که در قالب شکل های هندسی و گیاهی در تزئین نسخ قرآنی مورد استفاده بود و همچنین نوع ترکیب بندی، فنون اجرایی و فرم نقوش موجود در شیوه عثمان بن وراق و مقلدینش از دیگر مسائلی است که در این فرصت به آن خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: خراسان، خوشنویسی، تذهیب، هنر سلجوقیان، هنر غزنویان، مصحف، قرآن نگاری، محمد بن عثمان غزنوی.



مقدمه

آنها پادشاهان ساسانی قرار داشتند و مسلمانان ی با این گروههای مسیحی، اعم از ساکنان محلی یا آنهایی که از سوریه و آناتولی می آمدند، داد و ستد فرهنگی داشت. آغاز قرن چهارم هجری مصادف بود با حکومت، خلفای عباسی در بغداد، آل بویه در مرکز و جنوب ایران، سامانیان در خراسان و ماورالنهر، غزنویان در بخش هایی از خراسان. این حکومت ها که گاه بصورت همزمان با یکدیگر در نقاط مختلف ایران حکم می رانند، هر کدام به گونه ای حامی هنر و هنرمندان بودند. از جمله مهمترین هنرهای مورد توجه سلاطین این حکومت ها معماری (کاخ ها، مساجد، مقابر) بود. قرن چهارم هجری، همچنین قرن علم و ادب، هنر و سیاست در عالم اسلام بوده است. دانشمندان بزرگی همچون بوعلی سینا، رازی، ابن ندیم، سیبویه و... در این روزگار زیسته اند. خراسان در عهد حکومت سامانیان، مهد علم و ادب بود. در این قرن ادیبان و کاتبان فراوانی می زیستند، به همین مناسبت خوشنویسی و تذهیب نیز رشد و پیشرفت فراوانی کرد.

آغاز دوره سلجوقی، همزمان است با فتوحات سلاجقه در اوایل قرن پنجم هجری، که تا استقرار ایلخانان در اواسط قرن هفتم هجری ادامه یافت. تولیدات و محصولات هنری دوره سلجوقی، در شکل گیری و الگوپذیری نهایی هنر اسلامی در ایران و دیگر سرزمین های اسلامی، اهمیتی اساسی داشت، به همین علت عصر سلجوقی را می توان عصر ابداعات هنری دانست.

سلجوقیان قبیله ای از ترکان «اغوز» بودند، که نام خود را از «سلجوق» یکی از روسای خود گرفتند. که نسب سلجوقیان به «سلجوق بن دقاق» می رسد. آنان طایفه ای بودند از ترکمانان غز و خزر که در روزگار سامانیان در دشت های خوارزم و سواحل دریای خزر در آن سوی رود جیحون سکونت داشتند.

آنان پس از گرایش به اسلام، خود را از تنه اصلی اغوزها جدا ساختند. سلجوقیان در سال ۴۳۱ ق کل خراسان و سپس ری و اصفهان را، تصرف کردند. طغرل رهبر آنها در سال ۴۴۷ ق وارد بغداد شد، و پس از او آلپ ارسلان برادرزاده و جانشین اش، آذربایجان، شمال بین النهرین و سوریه را تصرف کرد و در ۴۶۳ ق در ملازگرد بر امپراطور بیزانس غلبه کرد و راه رخنه سلاجقه به آناتولی را گشود. اما در دوره سلجوقی نیز کار کتابت و تذهیب قرآن ها همچون گذشته پیشرفت زیادی کرد و نقوش ساده هندسی جای خود را به نگاره های گیاهی داد. تزئینات «طوماری شکل» از ویژگی های تذهیب این دوره به شمار می رود. کتیبه سر سوره ها که قبلاً به خط کوفی

درباره تاریخ و فرهنگ منطقه خراسان بزرگ در سده های نخستین اسلام آگاهی کمی در دست است. در آغاز این سرزمین وسیع را حکامی اداره می کردند که از سوی بغداد اعزام می شدند. اما با آغاز قرن سوم هجری حکام ایرانی همچون طاهریان (۲۰۶-۲۵۹ ه.ق)، سامانیان (۲۰۴-۳۹۵ ه.ق) و صفاریان (۲۵۳-۳۲۴ ه.ق) بر بخش اعظم این سرزمین حکم می رانند. پیوند میان مراکز اسلامی مهم تشیع در ایالت وسیع خراسان، به ویژه چهار شهر نیشابور، مرو، هرات، بلخ، و شهرهایی همچون بخارا و سمرقند باعث اعتلای فرهنگ اسلامی در این سرزمین گردید.

وجود دو جریان متناقض، و همزیستی آنها در قرون متمادی همواره از ویژگی های حیات فرهنگی خراسان به شمار می رود. یکی فرهنگ اسلامی که در رابطه نزدیک با خلفای بغداد بود و دیگری فرهنگ خاص ایرانی که به واسطه رسمیت یافتن زبان فارسی جدید و ظهور نخستین اشعار فارسی پدید آمد. این همبستگی و آمیختگی فرهنگی از سویی و ذوق و سلیقه هنرمندان ایرانی از سوی دیگر باعث گردید تا پیشرفت های عظیمی در عرصه هنر و فرهنگ ایرانی در منطقه خراسان بوجود آید و در گذر قرن ها به غایت پختگی و تکامل برسد.

سرزمین خراسان پس از سقوط دولت ساسانی و با آغاز دوران اسلامی مرکز هنر و ادب ایرانی گردید. فرهنگ کهن ایرانی نه تنها با شکست ساسانیان از بین نرفت، بلکه به مدد نیروی معنوی اسلام تقویت شد. چرا که در واقع می توان هنر اسلامی ایران را تلفیقی از سنت های فرهنگ اسلامی و تمدن کهن ایرانی دانست.

در حقیقت چیزی بیش از دو قرن طول کشید تا شکل و قالب تازه تدوین شود. اما اگر دقیق شویم، تداوم «روح هنر ایرانی» را می توان در این پیشرفت ها شناسایی کرد. روح ملی گرایی ایرانیان در شرقی ترین ناحیه ایران نضج گرفت. این منطقه در روزگار سامانیان ارتباط تنگاتنگی با اقوام ترک ماوراء النهر در طول سده چهارم هجری قمری/دهم میلادی برقرار کرد و روابط بازرگانی با چین به اوج خود رسید و بازرگانان چینی در سمرقند مستقر شده بودند و اقوام اویغوری که آیین مانوی داشتند نیز در آنجا می زیستند. در این ناحیه بود که اساطیر ایرانی منبع الهام شاعرانی همچون فردوسی گردید. همچنین هنرهای بودایی و مانوی از آسیای میانه و مرزهای چین بر هنر این منطقه بی تاثیر نبود. به علاوه، گروه هایی از مسیحیان در گوشه و کنار ایران به ویژه در ری و آذربایجان پراکنده شده و مورد حمایت خلفای عباسی و پیش از



و رفته رفته کاغذ را جانشین چرم و پوست کردند. در دوره سلجوقیان (۴۲۹-۵۵۲ ق) در فن کتاب سازی و کتاب آرایبی دگرگونی‌هایی اساسی پدید آمد که حاصل تغییر قطع کتاب از افقی به عمودی.

از طرفی، شکوه و زیبایی معماری ایران به ویژه در دوران اسلامی، به تزئین و آرایش آن بستگی دارد. معماری اسلامی، تزئیناتی چون آجرکاری، گچ بری، کاشی کاری، حجاری، منبت کاری، آیینه کاری و نقاشی در تمامی ادوار اسلامی رواج داشته و در هر دوره با امکانات آن روزگار پیشرفت کرده است. هنرمندان این رشته از هنرهای اسلامی با بهره گیری از انواع نقوش، نظیر نقوش و طرح های گیاهی، هندسی و خوشنویسی بر روی انواع مصالح ساختمانی به معماری ایران اهمیت ویژه ای بخشیده اند.

بر این اساس با تأملی بر سیر نقوش تزئینی در آثار هنری ایران، از پیش از اسلام تا عصر سلجوقی، می توان این گونه دریافت کرد که، هنرمندان (در قرون اولیه اسلام) برای تذهیب نسخ، از نقوش موجود در معماری الهام گرفتند؛ تعدد استفاده از نقوشی همچون نخلک، بال پرنده، گل نیلوفر و دیگر اشکال گیاهی و نباتی، در آثار هنری این دوره گواهی بر این ادعاست. اما با آغاز عصر سلجوقی و ایجاد تحولاتی در نوع ترکیب بندی مصحف ها، و همچنین تکامل اسلیمی و ابداع خطوط جدید، این بار معماران و طراحان ابنیه بودند که فرم ها و عناصر موجود در تذهیب را دستمایه کار خود قرار دادند. در ادامه و در تزئین بناهای عصر ایلخانی، اوج شکوفایی و تکامل این نقوش در زمینه گچبری و آجرکاری مساجد، مقابر و برج ها، و کاروانسراها قابل مشاهده است.

نوشته می شد، از دوره سلجوقی به بعد با خطوط کوفی تزئینی، ثلث و نسخ و به رنگ های طلایی، لاجورد و سفیدآب تنوع یافت. در حقیقت، شیوه شاخص تذهیب سلجوقیان را می توان در آثار تولید شده از سده پنجم و پس از آن مشاهده کرد. در این سده خراسان برترین و بزرگ ترین مرکز خوشنویسی و تذهیب بود. نمونه بارز آن مصحفی به خط «ابوالقاسم بن سعید بن ابراهیم بن عالم بن ابراهیم بن صالح» به تاریخ ۴۲۷ ق است که کاتب خود، کار تذهیب اثر را انجام داده و در پایان نسخه تصریح کرده که خوشنویسی و تذهیب را در «دامغان» و «نیشابور» آموخته است. همچنین مصحفی سی پاره به خط و تذهیب «عثمان بن حسین وراق» از سده پنجم هجری، (۴۶۶-۴۶۲ ق) به جا مانده که از نسخه های بسیار نفیس ترین این دوره به شمار می رود.

گفتنی است، یکی از معروفترین و کهن ترین نسخه های شاهنامه فردوسی که تاکنون شناسایی شده از آثار تولید شده در دوره سلجوقیان است. این نسخه را مهدی غروی با عنوان «شاهنامه کاما» معرفی کرده و همو و مجتبی مینوی بر تولید آن در دوره سلجوقی اتفاق نظر دارند.

حکومت سلجوقیان تا روزگار سلطنت سلطان سنجر، در خراسان و ماوراءالنهر ادامه یافت. اما این مناطق در سال ۵۵۲ ق تحت سلطه یک سلسله ترک نژاد دیگر، یعنی خوارزمشاهیان قرار گرفت تا اینکه در ۶۱۶ ق در مقابل تهاجم ایلغار مغول از پای درآمد. گفتنی است، با گسترش فتوحات اسلامی در اواخر قرن دوم، مسلمانان کاغذسازی را از اسراء چینی در شهر سمرقند آموختند



تصویر اوج دو صفحه از مصحفی به خط کوفی ایرانی، با تزئینات اسلیمی در متن و گره سازی در حاشیه، قرن پنجم هجری، کتابخانه چسترتینی دولین

بن حسین وراق که مجموعه ای از خوشنویسی، و تذهیب است نشان دهنده رواج شیوه ای نو، در کتاب آرایه عهد سلجوقی، به شمار می رود.

با آغاز عصر سلجوقی نقوش رایج در هنر فاطمیان و ایوبیان مصر دستمایه کار مذهبان قرار گرفت، و بیش از پیش تکامل یافت و در ادامه با تجلی در شکل «ستاره چند گوش» در مصحف های عهد ایلخانان و مملوک به اوج خود رسید. همچنین علاوه بر طرح ستاره چند گوش، در دیگر نقوش هندسی صفحات آغازین نیز تغییراتی رخ داد، که فاقد حالت گریز از مرکز بود. در طرح تذهیب قرن پنجم، نقوشی همچون نخلک و حاشیه های آراسته به چرخش های گل و برگ - که ریشه در هنر پیش از اسلام داشت - همچنان مورد توجه مذهبان بود.



تصویر ۵. تئیه مذهب حاشیه یک مصحف، ایران، ۴۸۵ق، موزه تویکایی استانبول، ترکیه

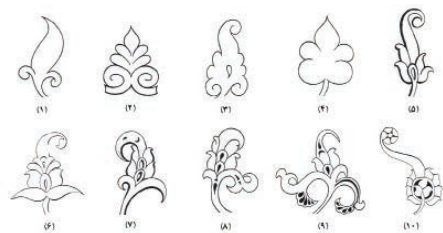


تصویر ۳. گچ بری مسجد «نه گنبد» در شهر غزنه، دوره غزنویان، افغانستان

در قرون اولیه اسلامی خاندان های بزرگ ایرانی مانند خاندان سامانی، چغانی، فریغونی، شاهیه خوارزم، مامونیان آن ولایت، زیاریان و باوندیان و بویان دیلم سراسر ایران را زیر سیطره خود داشته و به رسم نیاکان خود در تشویق دانشمندان، شاعران و هنرمندان کوشا بودند. به کوشش آنان بود که ادب فارسی عالمگیر شد و آثار گرامیهای جاویدان در دانش و ادب پدید آمد. این دوره بارور از اواخر قرن سوم هجری آغاز شد و در میانه قرن پنجم هجری پایان پذیرفت. یک قرن و نیم از تاریخ ایران که بعد از این دوران آمد میراث خوار آن عهد بود. گفتنی است که علی رغم رسوخ زبان عربی در فرهنگ و زبان ایران (پس از اسلام)، با آغاز قرن چهارم هجری یک نهضت ملی در ایران آغاز گردید، که یکی از نتایج مهم آن تجدید حیات زبان فارسی و به کارگیری آن در ادبیات ایران بود. در همین راستا بود که فردوسی بزرگترین کتاب تاریخ ایرانیان، شاهنامه را که شرحی از حوادث تاریخی (اعم از افسانه و حقیقت) و فرهنگ شهامت و مردانگی ملت ایران بود سرود. از این دوره به بعد بود که توجه هنرمندان و پادشاهان در مقام مهم ترین حامیان نسخ ادبی سبب شد تا تهیه نسخه های مختلف شاهنامه در دوره های بعد نیز، رواج پیدا کند.

گفتنی است، خط کوفی و تذهیب در مصحف های عهد سلجوقی به حداکثر رشد و ترقی رسید. مثلاً مصحفی در موزه بریتانیا نگهداری می شود، که در بردارنده چند صفحه مذهب عالی است، که تزئینات طوماری شکل و

همچنین آثار بسیار نفیسی در زمینه های سفال و فلز بر جای مانده که نشانگر رونق این هنرها، در کنار کتاب آرایه بوده، و نفوذ طرح ها و ترکیب بندی های تذهیب و نقاشی را بر بدنه ظروف سفالین و آثار فلزی این دوره، به وضوح می توان مشاهده کرد.



تصویر ۴. نقوش گل و اسلیمی به کار رفته در معماری پیش از اسلام که در تذهیب نسخ اسلامی نیز کاربرد داشت

خوشنویسی و تذهیب مکتب خراسان در عصر سلجوقی:

خوشنویسی و تذهیب در دوره سلجوقی که پس از ویرانگری مغولان فقط نمونه های معدودی از آن باقی مانده، نظیر دیگر قالب های هنری این دوره، از ساختاری منسجم و ترکیب بندی اصولی برخوردار بوده است. آثار مهمی همچون خمسه نظامی، مفید الخاص از محمد بن زکریای رازی و شاهنامه کاما و مصحف سی پاره عثمان

دیگری کتابی به زبان عربی کتابت شده به سال ۵۰۲ق، روزگار سلطنت محمد پسر ملک‌شاه سلجوقی، از مجموعه یادشده، به لحاظ تذهیب شایان توجه هستند.

شیوه رایج عهد سلجوقیان را دارد، و آن را «ابوالقاسم بن ابراهیم» به تاریخ جمادی الاول سال ۴۲۷ ق کتابت و تذهیب کرده است.



تصویر ۷. شیوه تذهیب در عهد سلجوقی، مجموعه خصوصی



تصویر ۶. مصحفی به خط نسخ اولیه بر کاغذ، شیوه ابن بواب، اواخر قرن چهارم هجری

گفتنی است در برخی از دست‌نوشته‌ها مذهب‌ها، برای تزئین از تکرار قرینه وار طرح در صفحات روبروی هم، بهره‌جسته‌اند، که به‌رغم ترکیبی مستقل درون هر یک از چارچوب‌های کلی، تکرار آینه‌وار را در ذهن بیننده تداعی می‌کند. بارزترین ویژگی آن، اهمیت استفاده از اشکال هندسی، خصوصاً نقش دایره در طرح سراسری صفحه است. همچنین، مذهب‌ها در این دوره طلا را به صورت ورقه‌هایی نازک و با چسب (صمغ) در محل تذهیب می‌چسبانند، و سپس نقوش را روی آن قلم‌گیری می‌کردند. در این میان، گاه از رنگ‌های سبز و لاجورد و سیاه نیز برای کشیدن شرفه بهره می‌بردند. این شیوه استفاده از ورقه طلا تا قرن‌ها در میان مذهب‌ها مرسوم بود. در این روش هنرمند می‌بایست طرح‌ها و نقوش را به صورت بداهه و بدون الگو برداری دهد همین امر سبب شده بود تا جزئیات نقوش آن‌طور که باید قرینه نباشد.

همچنین از اواخر قرن چهارم هجری بود که گره‌سازی که ترکیبی زنجیروار از نقطه و خط بود، همچون عنصری اساسی در تذهیب به کار رود. این عنصر در قرون بعدی بسیار مورد توجه مذهب‌ها دیگر قرار گرفت و همواره به صورت کمندی زنجیروار دور تا دور کتیبه‌ها و سرلوحه‌ها به کار گرفته شد.

از این زمان به بعد بود که در کتیبه‌های صفحه افتتاح مصحف‌ها نام سوره، تعداد آیات و محل نزول آن به همراه آیه‌ای که بر لزوم طهارت هنگام لمس قرآن تاکید

کاتبان تا اوایل قرن چهارم هجری مصحف‌ها را بر پوست کتابت می‌کردند. تذهیب این مصحف‌ها غالباً ساده و ابتدایی است اما به تدریج با تغییراتی که در شیوه کتابت خط کوفی در قرن چهارم هجری پدید آمد تذهیب نیز تحول یافت و نقش و نگارهای پیچیده‌تر در آن به کار گرفته شد.

در این دوره، برای تذهیب نسخ ابتدا دور نوشته را خط‌کشی (جدول‌کشی) می‌کردند و سپس بیرون این جدول‌ها را با اسلیمی می‌آراستند. استفاده از اسلیمی در اطراف متن و شکل‌های درهم‌تنیده در زمینه کتیبه‌ها در تلفیق با شمسه و ترنج- که اغلب درون آنها اشکالی قرینه و هندسی جای داشت- خود فرصتی بود، تا هنرمندان عهد سلجوقی به تذهیب مصحف‌ها تنوع بخشند. ترکیب رنگی تذهیب در این دوره دستخوش تغییرات شایان توجهی بوده است؛ استفاده از رنگ «قرمز عقیقی» بر زمینه طلا، ترکیب جدیدی بود، که در کنار رنگ‌هایی همچون لاجورد و سبز زنگاری و سیاه، ترکیبی چشم‌نواز پدید می‌آورد. از این دوره مصحفی معروف به «مصحف بُست» در مخزن عربی کتابخانه ملی فرانسه محفوظ است که در سال ۵۰۵ ق احتمالاً در کارگاه سلطان محمود غزنوی کتابت گردیده، که چند سرلوح مختلف دارد که تزئینات آن اسلیمی، سرلوح با سه دایره و یک بیضی و دو دایره است. تذهیب پیچیده و متنوع در این نسخه به حد انکارناپذیری به بلوغ رسیده است. همچنین دو نمونه یکی قانون مسعودی بیرونی و



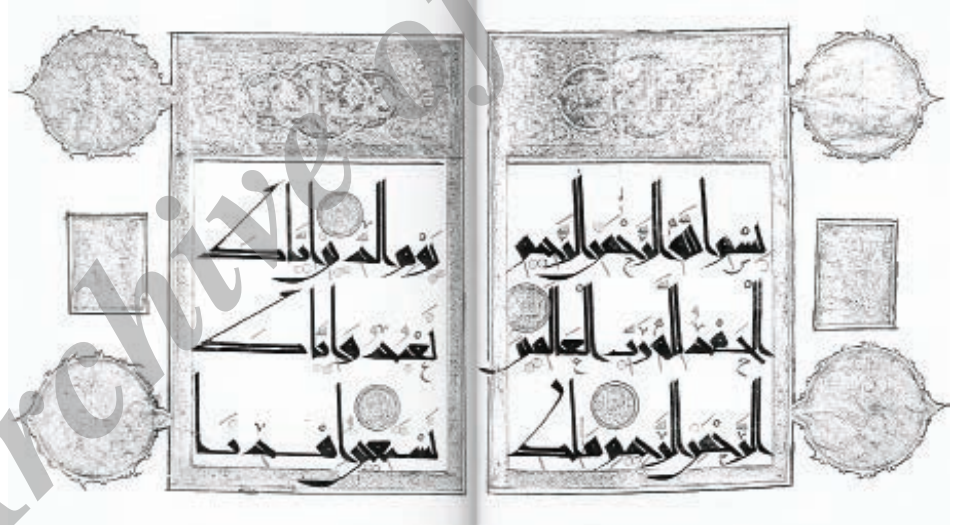
جلی و طلا نویسی تحریر گردیده است. اطراف آن را با گره سازی و یک ترنج در پهلو تزئین کرده اند. تاریخ تحریر جزوات از ۴۶۲ ق یعنی اواخر سلطنت آلب ارسلان (۴۵۵ - ۴۶۵ ه.ق.) تا ۴۶۶ ق نخستین سال سلطنت ملکشاه سلجوقی بوده است. کتابت و تذهیب این مصحف پنج سال زمان برده است. در آغاز هر جزو این مصحف دو صفحه تمام مذهب

می کند در ترنج کتیبه ها و یا صفحات مذهب قبل از شروع آیات، با خط کوفی تزئینی، و به رنگ سفید یا طلا نوشته و همانند سرسوره ها قلم گیری می شد. از هنرمندان مذهب روزگار سلجوقی و غزنوی می توان از «عبدالرحمن بن محمد دامغانی»، «عثمان بن حسین بن ابوسهل وراق»، «محمد بن عثمان»، «ابوالقاسم بن ابراهیم»، و مذهب با رقم «جمال» یاد کرد.

تصویر. کتیبه سرسوره مصحفی به خط و تذهیب محمد بن عثمان، ۶۱۴ ق. موزه آستان قدس رضوی



تصویر. آغاز جزء اول، سوره فاتحه الکتاب، خط و تذهیب عثمان بن وراق، قرن پنجم هجری، موزه آستان قدس رضوی

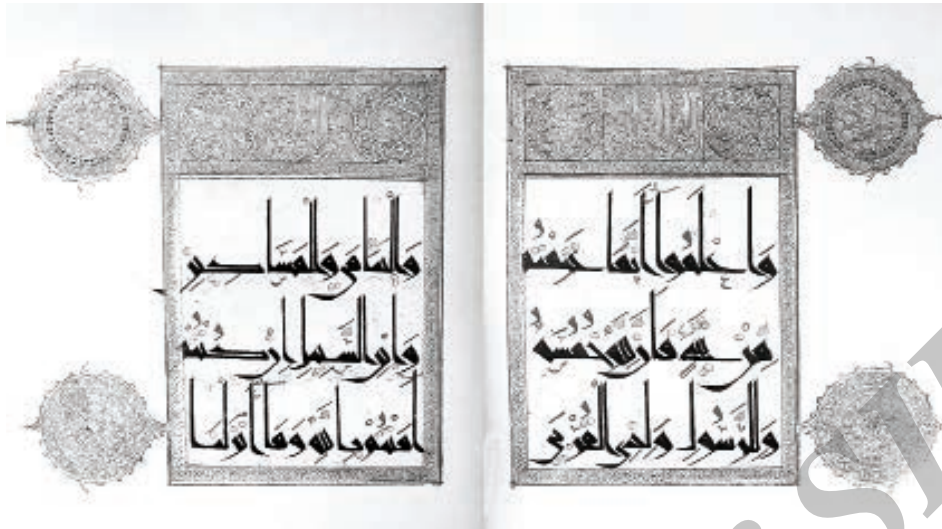


متقابل کارکرده اند، که طرح آن با جزوات دیگر متفاوت است. همچنین سرسوره ها را به خطوط مختلف کتابت کرده اند. همچنین «بسم الله» را به چند نوع کوفی (گلداز و تزئینی) نوشته و علامات تشدید، مد، و همزه به رنگ سبز (سیلو) زنگاری، نقطه ها طلایی و علامت سکون دایره ای لاجوردی رنگ ترسیم گردیده است. در حاشیه متن، شکل ترنج های طلایی با نقوش متفاوت و طرح های بدیع برای تقسیمات «ده تایی» آیات، کشیده شده است.

در ترنج های کناری مصحف عثمان، همواره ردیفی از اسلیمی های چند پر به همراه نوار زنجیروار سفید رنگ ظریف، که بدون شک شیوه خاص او (ترسیم نقوش سفید رنگ بر زمینه طلا) در تزئین ترنج حاشیه بوده است.

تأملی بر شیوه تذهیب عثمان بن حسین وراق غزنوی ابو عمرو عثمان بن حسین بن ابوسهل وراق غزنوی از خوشنویسان و مذهبیان زبردست قرن پنجم هجری و معاصر آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی بود. او که در نیمه دوم سده پنجم هجری در خراسان می زیست، مصحفی را به تاریخ ۴۶۶ ق به خط کوفی ساده ایرانی کتابت و تذهیب کرد. روش او در خوشنویسی و تذهیب این مصحف که براساس شیوه رایج زمانه اش بود شایان توجه و تدقیق است. این اثر اکنون در مجموعه آستان قدس رضوی مشهد نگهداری می شود.

گفتنی است، مصحف یادشده به دستور ابوجعفر محمد بن احمد عبدوسی کتابت شده و در آغاز جزء بیست و هشتم، نام حامی در دو صفحه چهار سطر به خط رفاع



تصویر ۹.
دو صفحه مذهب قرآن
عثمان بن حسین، وراق، قرن
پنجم هجری، موزه آستان قدس رضوی

در کتیبه‌های سر سوره نیز، نام سوره به خط رقاع سفید آب بر زمینه قرمز عقیقی که در اثر گذر زمان قهوه‌ای شده با چرخش‌های اسلیمی تزئین شده است. این شاهکار هنری کم نظیر قرن پنجم هجری ۲۱۳۱ ورق دارد.

تأثیرات شیوه عثمان بن وراق بر دیگران
در مجموعه آستان قدس رضوی، جزء بیست و سوم از مصحفی به خط و تذهیب «محمد بن عثمان» به تاریخ ۶۱۴ق، فرزند یا نوه، عثمان بن ابوسهل وراق موجود است، که اگر رقم او در پایان مصحف ذکر نشده بود، بدون شک به عثمان وراق منسوب می‌گشت. محمد بن عثمان که در خوشنویسی و تذهیب دست کمی از پدر نداشت این مصحف را به شیوه‌ای شبیه به شیوه پدرش کتابت و تذهیب کرده است. تنها تفاوت این دو اثر اندازه صفحه و درشتی و ریزی خط آن است. این مصحف به همراه ۲۹ جزو دیگر آن، بر طبق وقف نامه‌ای به خط کاتب، از سوی «محمد بن ابی دلف حلفوری» ملقب به «شرف»، وقف بر مسجد جامع حلفور از توابع طوس گردیده بود، که در حال حاضر نه از حلفور اطلاعی در دست است و نه از ۲۹ جزو دیگر.



تصویر ۱۰.
چند نمونه از ترنج‌های حاشیه مصحف
عثمان بن وراق



تصویر ۱۱. چند نمونه ترنج حاشیه در مصحف محمد بن عثمان، ۶۱۴ق

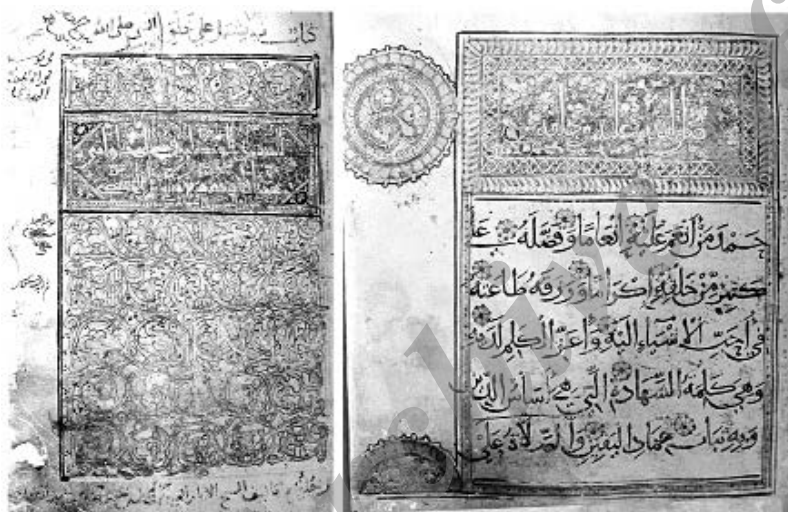
اما شیوه محمد بن عثمان در مقایسه با پدرش کامل تر و پخته تر شده است. این نکته از نوع ترکیب بندی خط و تزئیناتی همچون علامت ختم آیات، سجده، ترنج‌های حاشیه، گره سازی و حتی شکل اسلیمی‌های آن دریافت کرد. خط کوفی ایرانی که در این آثار به اوج شکوفایی خود

که اگر چه جزء‌های سی‌گانه آن از حیث خط و جلد و کاغذ یکسان است ولی تذهیب هر جزو با دیگری متفاوت است؛ به طوری که نقش دو ترنج و دو سرسوره با هم برابر نیست. پر کارترین جزو این مصحف جزو سی‌ام آن است، که دو سر لوح، سی و شش سرسوره، چهل ترنج و دو صفحه تمام تذهیب دارد، که حتی یک طرح آن تکراری نیست. به همین علت بررسی شیوه تذهیب عثمان، با توجه به این تنوع خود می‌تواند موضوع یک تحقیق مفصل باشد. گفتنی است، قرآن مترجم دیگری نیز از این هنرمند در ترکیه شناخته شده که که به لحاظ خوشنویسی و تذهیب اهمیت ویژه‌ای دارد.

چند مصحف از دوره سلجوقی که در کتابخانه چسترتیتی دوبلین، موزه ملی ایران (بخش اسلامی)، موزه آستان قدس رضوی مشهد و موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود. ۵. قرآن مترجم، احتمالاً خوشنویسی و تذهیب از عثمان بن وراق، محفوظ در کتابخانه توپکاپی، ترکیه

اما از این میان نسخه آداب الخلق النبی اهمیتی ویژه دارد.

این نسخه را ابوبکر محمد بن ابی رافع الوراق در شهر غزنه کتابت کرده است. قطع آن وزیری است و خط آن نسخ که با مرکب سیاه و طلا کتابت شده است. یک صفحه مذهب در آغاز دارد و دو صفحه آغازین آن را با تزئیناتی همچون کتیبه سر لوح و ترنج حاشیه و شرفه لاجوردی تزئین کرده اند. افزون بر این سرفصل‌های کتاب را نیز با ترنج‌هایی زرین تزئین کرده اند.



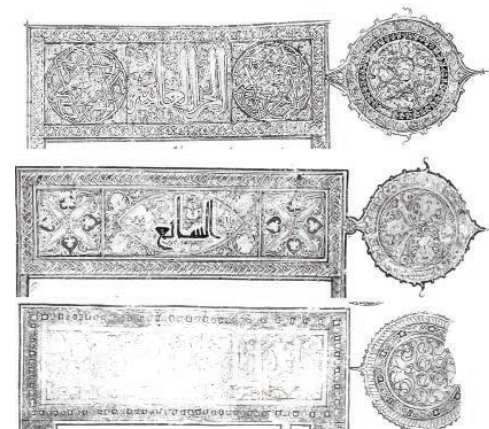
تصویر ۱۳. (راست) صفحه آغازین آداب الخلق النبی، کتیبه مذهب با نقش ترنج درحاشیه. (چپ) صفحه مذهب، همان نسخه، شیوه عهد غزنوی، محفوظ در کتابخانه دانشگاه لیدن، هلند

اما نکته شایان توجه اینکه شیوه تذهیب این نسخه کاملاً به مصحف عثمان می‌ماند و با توجه به کتبه «الوراق» در پایان رقم هر دو مصحف، این احتمال که هنرمندان مذهب این دو اثر در یک محدوده زمانی و مکانی مشابه کار تذهیب این دو نسخه را انجام داده‌اند را قوت می‌بخشد. همچنین وجود کلمه «غزنوی» و «بغزنه» خود مؤید این نکته است، که هر سه مصحف در دربار پادشاهان غزنوی تهیه شده، که البته این شیوه با عنوان شیوه سلجوقی معرفی شده است.

بحث در خصوص شیوه خوشنویسی آداب الخلق النبی و وقف نامه و رقم مصحف‌های عثمان و پسرش خود

رسیده بود در حقیقت وام‌دار تلاش و خلاقیت هنرمندان پیش از آن روزگار بوده است. از آن میان می‌توان به کهن‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی ایرانی اشاره کرد، که در سال ۲۹۲ ق به خط «احمد بن ابی القاسم الخایقانی» کتابت شده و در کتابخانه چسترتیتی دوبلین نگهداری می‌شود. این شیوه در خوشنویسی و تذهیب به دست عثمان بن وراق و پسرش شکوفا گردید و سپس الگویی شد برای هنرمندان دوره‌های بعد، که بهترین مثال آن مصحف وقفی بر تربت شیخ جامی بوده است. این مصحف در سال ۵۸۴ ق به دست «محمد بن علی النیشابوری اللیثی» برای اهداء به غیاث‌الدین محمد غوری کتابت شده است. تذهیب این اثر رقم «جمال» دارد که در قرن ششم هجری انجام پذیرفته است. با توجه به اینکه در گذشته هر کدام از هنرهای وابسته به کتاب‌آرایی، هنرمندان متخصص خود را داشته، خاندان «وراق غزنوی» بی‌شک، یکی از مهمترین خاندان‌های هنرمند در شهر غزنه بوده‌اند، که آثار یادشده گواه روشنی بر این ادعاست.

این روش کار بعدها در خاندان‌های دیگر ایرانی همچون روزبهان شیرازی و وصال نیز پیروی شد.



تصویر ۱۲. سه کتیبه سرسوره مذهب، به شیوه عثمان

چند اثر دیگر نیز از آن روزگار به جا مانده که مشخصات آنها چنین است:

- الف. مصحفی کتابت شده در سیستان به تاریخ ۵۰۵ ق، محفوظ در کتابخانه ملی پاریس .
- ب. مصحفی به تاریخ ۵۵۹ ق، محفوظ در موزه دانشگاه فیلالنیا.
- ج. نسخه آداب الخلق النبی، کاتب: ابوبکر محمد بن ابی رافع الوراق، محفوظ در کتابخانه دانشگاه لیدن، هلند
- د. سه برگ از مصحفی به خط کوفی ایرانی، که در موزه متروپلیتن نیویورک نگهداری می‌شود، و چند بخش از

علامات و تقسیمات حواشی قرآن در نگاهی کلی، از هارمونی و وحدت خاصی در این مصحف کم نظیر حکایت از بلوغ و شکوفایی هنر کتاب آرایبی در قرن پنجم هجری در خراسان دارد. این شیوه خوشنویسی و تذهیب (به ویژه استفاده از ورقه طلا) قرن هاست که به وادی فراموشی سپرده شده است.



تصویر ۱۶. کتیبه سرسوره در مصحف عثمان بن ورق، قرن پنجم هجری

فرستی جداگانه می‌طلبید، اما همین بس که هر سه نسخه به خطی شبیه نسخ اولیه اما با تمایلاتی به رقاع کتابت شده اند.

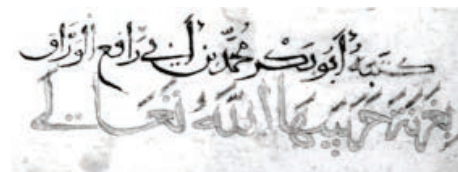
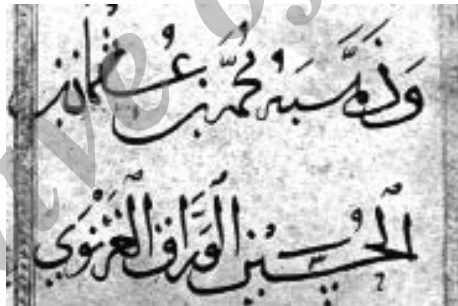
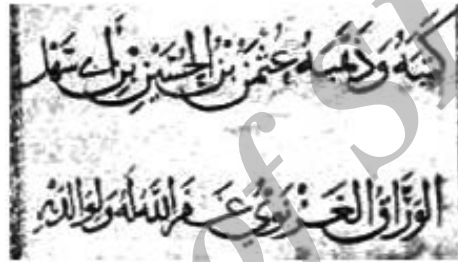
این نوع کتابت در کتب علمی قرون چهارم و پنجم هجری نیز بسیار مورد تقلید خوشنویسان آن روزگاران قرار گرفت.

این عقیده که درج علامت آیه، در انتهای جملات در مصحف‌های دوره اسلامی از شیوه خوشنویسی و تذهیب مانوی متعلق به سرزمین‌های شمالی خراسان بزرگ در پیش از اسلام بوده، دور از ذهن نیست، اما اثبات آن نیاز به تحقیقات و مدارک بیشتری دارد.

خاقه

کتاب آرایبی عهد سلجوقی در خراسان به واسطه خلاقیت هنرمندان این عرصه و استفاده به هنگام و ترکیب بندیهای بدیع از خطوط کوفی و نسخ در پیوند با نقوش در هم تنیده اسلیمی و تلفیق آنها با نقوش هندسی و ترکیبات رنگی خاص و با شکوه بسیار شکوفا شد. به ویژه استفاده از فن ورق طلا، و قلم‌گیری‌های نازک نقوش، و خط کوفی ساده فرصتی بود تا این هنر بیش از پیش رشد و ترقی یابد.

در حقیقت مصحف نگاری در قرن پنجم هجری قمری، سرمشق خط و تذهیب و رنگ آمیزی در هنر کتاب آرایبی ایران است و به جرأت می‌توان گفت، کم نظیرترین و چشم نوازترین اثر این دوره اثر به جا مانده از عثمان بن ورق است که هم به لحاظ خوشنویسی و تذهیب و هم به لحاظ نسخه شناسی از ارزش فراوانی دارد.



تصویر ۱۴
راست) رقم عثمان بن الحسین بن ابی سهل البوراق الغزنوی؛ (چپ) رقم محمد بن عثمان بن الحسین البوراق الغزنوی

تصویر ۱۵
الخلق النبی، «ابوبکر محمد بن ابی رافع البوراق بغزوه حریبها الله تعالی» محفوظ در کتابخانه دانشگاه لیدن، هلند

پی نوشت ها

۱. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ۲۲۸
۲. ابوریحان بیرونی، اصفاء، ۴.
۳. دیماند، راهنمای صنایع اسلامی، ۷۹.
۴. ریشارد، کتاب ایرانی، ص ۱۱۳
۵. گلچین معانی، هنر و مردم، ش ۱۵۷، ۴۵.
۶. نوشین نفیسی مجله هنر و مردم (ش ۱۵۰) / ص ۵۱
۷. گلچین معانی، همان، ۵۹-۶۵
۸. ریشارد، همان، ۱۱۵.
۹. دیماند، همان، ۸۱
۱۰. گلچین معانی، ۵۶.

صفحات مصحف عثمان جدول کشی، تسمه اندازی و کمند ندارد، اعراب آن به سنگرف و تشدید و مد و همزه به رنگ سبز زنگاری و نقطه بزر تحریردار، علامت سکون دایره کوچک لاجوردی است و کلمه وقف بشسنگرف نوشته شده است.

گفتنی است خط کوفی ساده عثمان و مقلدینش در کتابت مصحف به کار برده اند، زیباترین و در عین حال استوارترین نوع کوفی ایرانی است، که در قیاس با نمونه‌های خطوط کوفی دیگر نواحی سرزمینهای اسلامی از شکوه خاصی برخوردار است. به ویژه تنوع رنگی در اعراب گذاری و

